

قاچاق بیش بینی نموده *

بموجب کنوانسیون مزبور ماده ۱۴ « دیوان نامبرده از ۱۵ قاضی تشکیل و نه نفر از آنها از طرف دول معظمه انتخاب و اعضاء اصلی دادگاه را تشکیل میدهند شش نفر از طرف کشورهای دیگر انتخاب و عضویشان در دادگاه از روی نوبت است و طبق آئین نامه مخصوص تعیین و سازمان دادگاه را تکمیل میکنند. مرکز تشکیل دادگاه در لاهه و یک هیئت نمایندگی « مرکب از سه کارمند » رابط بین دادگاه و سراجمه کنندگان بوده و صلاحیت دادگاه مزبور مخصوصاً در امور ذیل است :

۱- در صورتیکه در ضبط کالا کشور بیطرفی ذی -

نفع باشد *

۲- در صورتیکه نفع مزبور متعلق بکشور متخاصمی است

که مدعی موجه نبودن ضبط و یا مخالف قانون و مقررات بین المللی بودن آنست *

اصول دادرسی دارای مرحله مقدماتی و رای است

رای دادگاه باید در جلسه عمومی اعلام و محکوم علیه علاوه بر

تحمل خسارات وارده باید بیک صدم قیمت مدعی به نیز برای

مخارج تشکیل دادگاه بپردازد *

دکتر ع - اخوی

علل ولگردی

بنا بر عقیده دکتر بله

۱- بیماریهای جسمی پدر و مادر

بیماریهای عفونی بدون استثنا - اعضا و جوارح و سلسله اعصاب را خراب و از کار میاندازد - این ضعف و بیچارگی مستقیماً بر فرزندان شخص انتقال مییابد - اطفالی که از مبتلایان بسل - کوفت - الککل بدنیا میآیند از بدو تولید بدبخت اند و تمام عمر باعث بدبختی دیگران خواهند شد - چون بواسطه زهرا به و میکرب بیماریها رشد طبیعی نکرده قوای دماغی و جسمی شان بمراتب از آنکه سالم بدنیا میآیند کمتر بوده قهراً در همه چیز عقب تر خواهند بود عقب ماندگی - عدم موفقیت - مورد تحقیر - و شمانت و مسخره بودن - اطفال را از خردسالگی از جامعه بی زار و مأیوس میکند - طبعاً تمایل پیدا میکنند که گوشه گرفته با عده ای مثل خود بسربرند در نتیجه این گوشه گرفتن ها و دور افتادن ها تعادل اجتماعی را از دست داده تحت تأثیر دیگران واقع میشوند و از هیچ چیز روگردان نخواهند بود [ولگردانی را که دکتر بله معاینه کرده هیچکدام صحیح رسال معنای پزشکی کلمه نبوده اند]

۲- بیماریهای جسمی لازمه حتمی با نقص

قوای معنوی

(تصور - حافظه - ادراک - قضاوت) دارند و نقص

قوای معنوی در فعالیت های انسانی خدشه وارد آورده کمی

و زیادی ایجاد خواهند نمود چون معیار سلامت روح و جسم

تعادل است و هر بی اعتدالی و بی ثباتی علامت بیماری است

چنانچه و چنانبات از بی اعتدالان و بی ثباتان بیشتر سر خواهد

زد و کسانی که در ظاهر هیچگونه علائم بیماری از آنها

مشهود نیست در نتیجه عدم اعتدال قوای معنوی مرتکب

بدکاری خواهند گردید برای توضیح این مطلب ناگزیریم

تقسیم بندیهایی که روانشناسان در خصوص فعالیت های

خارجی انسانی نموده اند شرح دهیم عوارض و مشخصات

هر یک را در حال صحت و بیماری بیان نمائیم تا فرق بین اعتدال

و بی اعتدالی آنکارا گردد *

طبق عقیده عامه روانشناسان فعالیت های خارجی آدمی

نتیجه پنج قوه زیرین است:

پس از صرف انرژی محتاج باستراحت است - آنهائیکه بدون استراحت شب و روز کار میکنند در کار هیجان و اضطراب فوق العاده دارند معلوم نیست بچه مناسبت و برای چه مقصود منای استراحت را نمیفهمند و باهمه اینها اگر باعدم موفقیت مواجه کردند زن و قرزند خود را گذاشته فرار میکنند یا خود را میکشند - و آنهائیکه باوجود استراحت مدام دایمالم از خستگی زیادکاری و ناملازمات زندگانی شکایت کرد - عوض چاره جوئی وقت را ببعجز و لایه و گریه زاری و بی کاری میکذرانند در قوه اصرار به کار و فعالیتشان خلل وارد آمده است

ه - نیکو کاری و نیکخواهی

آنهائیکه چراغی را که در خانه رواست در مسجد میوزانند از گوش و کلموی خود و اقبای خود گرفته خرج دیگران میکنند فرزندان خود را از ارث محروم کرده دارائیشان را صرف فلان مسلك یا فلان عقیده مینمایند و آنهاکه نامهای بدون امضاء برای اضرار بقیر و تشویش اذهان عمومی مینویسند و اکاذیبی را برخلاف حقیقت رأساباطور نقل قول بدیگران نسبت میدهند برای رنج دادن و آسیب رساندن بدیگران بهزار وسیله متوسل میشوند بدون منظور استفاده فقط از لحاظ آنکه ما بحتاج زندگانی دیگری را از بین میبرند دزدی میکنند و خرمن آتش میزنند در نتیجه بیماری بقوه نیکو کاری و نیکخواهییشان آسیب رسیده است •

و - جامعه خواهی

آنهائیکه برای جلب دقت دیگران افسانه و دروغ ساخته در ادارات دولتی و دادگاهها و دیوان های جنائی پس از وقوع قضیه و حادثه معرفتی بدون مقدمه خود را معرفی کرده از دقایق موضوع اظهار اطلاع میکنند خود را گواه عدل جلوه میدهند و پس از تحقیق و بی چوئی معلوم میشود که کوچکترین اطلاعی از موضوع ندارند و آنهاکه در مجالس ساکت و صامت نشسته خود را بی اعتنا و غایب جلوه میدهند و اگر ده مرتبه معرفی شوند باز پس از روبرو شدن با اشخاص

ا - عواطف و هیجانات - تمایلات و آرزوها - اصرار بکار فعالیت - نیکو کاری و نیک خواهی - جامعه خواهی در انسان سالم این قوا بطور محدود با اعتدال ظاهر شده و بروز میکنند در بیماریها برعکس کم یا زیاد جلوه گر میشوند بديگران و آنهاکه منشاء کارهای ناشایست و مضر بجامعه میشوند کسانی هستند که در قوای پنجگانه آنها کمی و یازبایدی در اثر بیماری حاصل شده است ما اینک هر کدام از این پنج قوه را جداگانه ذکر میکنیم:

ب - عواطف و هیجانات

انسان سالم در مقابل بدبختی تا ملازمات یا خوشبختی بایستی بمقدار معین ابراز احساسات کند و نتایج واقعی و قهری امر را ادراک کند - گمانیکه بیش از حد عادی بموضوعی اهمیت میدهند از خطر احتمالی بیش از خود خطر میترسند حساسیت آنها طوری است که چندین ساعت راجع بخنده - تبسم - تعارف حرف - ایراد دیگری فکر کرده تأریل و تفسیر مینمایند بدون دلیل از خیلی کس ها و خیلی چیزها بدشان یا خوششان میاید و سواسی - بی تصمیم - زود اظهار علاقه کن و زود بشیمان شو هستند در قوه عواطف و هیجاناتشان بی اعتدالی موجود است •

ج - تمایلات و آرزوها

هر کس بنا بر احتیاجات روحی و جسمی خود طالب مال - افتخار - تنعم - ترقی است و چون احتیاجات همه یکسان نیست خواستن و آرزوهای اشخاص متفاوت است آنهاکه از دنیا و مافیها بکلیمی و خرابه ای قناعت میکنند آنها را همه جایک رنگ میدانند قانع - صبور - توسری خور - دلال مظلوم بوده از تنبلی و سستی بهر تنگی تن در میدهند و آنهائیکه همه چیز و همه کس را برای خود خواسته برای خود مزایا و خواص فوق العاده فائزند تصور میکنند که بدون دخالتشان هیچ کاری بخوبی انجام نمیبیرد و کوچکترین کار خود را با آب و تاب برای دیگران نقل کرده منتظر تحسین و قبولند در قوه تمایل و آرزویشان کمبودی و قیادی پیدا شده است •

د - اصرار بکار فعالیت

انسان برای هر عملی محتاج بصرف نیرو (انرژی) و

بوده هیچگونه مواظبت و نگاهداری از او نمیشود و اگر پدر و مادر در يك اطاق زندگانی کنند و با عادت بنوشابه نوشی داشته باشند زودی روحیه طفل خراب شده نمیل - بیکاره و ولگرد بار میآید.

۶- فوت پدر یا مادر

پس از مرگ زن مرد طبیعتاً زن دیگری اختیار میکند زن هم پس از مرگ شوهر یا طلاق با همسر تازه ای زندگانی میکند بچه هائی که مجبوراً با ناپدری یا نامادری خود زندگی کرده از عواطف و اظهار محبت های آنها بی بهره بوده دچار ملالت - تحقیر - تنبیه واقع میشوند این وضع در روح و جسمشان تاثیر کرده دائماً ناراضیند و با اولین فرصت فرار را بر تحمل آنها ناملايمات ترجیح میدهند .

۷- نفرستادن بدبستان

اطفالیکه از کوچکی بدبستان گذارده میشوند عادت بانضباط پیدا کرده پشت کار دارو جدی بار میآیند به علاوه هر روز در نتیجه آموزش و پرورش چیزهای تازه یاد گرفته تمیز خوبی از بدی حس تمایل بنیکوکاری و اجتناب از بدی پیدا میکنند برعکس اگر بیکار باشند و بدبستان نروند در کوچه ها شاهد اعمال ناشایست ممنوع بوده کسب اخلاق رذیله میکنند در بازرسی که در ذوالنآدیب فرن Fremne بعمل آمده از ۱۹۷۹ صغیر باز داشته فقط ۱۷۳ نفر در دبستان رفته موفق بگرفتن گواه نامه شده بوده اند مابقی کلی بی سواد بوده خواندن و نوشتن را هم نمیدانسته اند .

احمد هومن

آشنائی نمیدهند و اگر ده سال در کوچه ای زندگانی کنند ساکنین آن کوچه را نمیشناسند و با هیچکدام معاشرت نمیکنند در قوه جامعه خواهی « socialilite » اعتدال را از دست داده اند .

در معاینه روانشناسی که در سال ۱۹۲۷ در زندان معروف به Lapetite roquette (لاپتیت رکت) بعمل آمده ۸۵ / اطفال ولگرد دارای اخلاق غیر عادی و عموماً بدون نبات ربی تصمیم بوده اند .

۳- شهر نشینی

کسانی که در دهات و مزارع زندگانی میکنند اطفالشان کمتر خانه و زندگی را رها کرده ولگرد میشوند برعکس ساکنین شهر ها مخصوصاً محلات خارج از شهر استعداد زیادی بولگر دی نشان میدهند

۴- فقر و بیچیزی

اطفال اغنیا و سرمایه داران بطور استثناء خانه پدری را رها کرده ولگرد می شوند اکثریت ولگردان فرزندان اشخاص بی بضاعت اند - برعکس پسران گدایان همیشه با اقوامشان زندگی کرده ولگردی نمی کنند علت این امر واضح است - اطفال اشخاص بی بضاعت و سائل اولی زندگی را بطور ناقص داشته میتوانند خود را با سایرین مقایسه کنند ولی گدایان بواسطه نداشتن مایحتاج روزانه فرصت مقایسه هم ندارند

۵- شغل پدر و مادر

در آموزش و پرورش بچه بی تاثیر نیست عملجانی که در کارخانه کار میکنند تمام روز خارج از منزل بسر برده فقط شب بخانه میآیند اگر مادر هم کار کند طفل عملاً همیشه تنها